

شنیدن از دائود جینگ

متن کهن فلسفہ چین

لائوزہ ترجمہ و تحقیق ح. بشاشہ



تهران
۱۳۹۵

سرشناسه: لانودزو

Lao-Tzu

عنوان و نام پدیدآور

: شنیدن از دائو د جینگ متن کهن فلسفی چینی / نویسنده لانودزو؛

ترجمه و تحقیق: ع. پاشایی.

: اردبیل: انتشارات عنوان، ۱۳۹۵.

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

: ۱۹۰ ص.

: ۷-۱۵-۷۸۲۶-۶۰۰-۹۷۸

شابک

وضعیت فهرست نویسی: فیا

: عنوان اصلی: Tao te ching

یادداشت

: این کتاب با عناوین مختلف توسط مترجمین و ناشران متفاوت در سالهای

یادداشت

مختلف منتشر شده است

: دائو: راهی برای تفکر.

عنوان دیگر

موضوع

: تائوئیسم

Taoism :

موضوع

: پاشایی، عسکری، ۱۳۱۸ - مترجم

: ۱۳۹۵/۷۳۵۲/۱۹۰۰ BL

ردیف کتابخانه

: ۲۹۹/۵۱۴۸۲

بندی ده یی

: ۴۲۸۱۱۵۲ شماره ثبت اسناد ملی

شنیدن از دائو د جینگ

نویسنده: لانودزو

ترجمه و تحقیق: ع. پاشایی

ناشر: نشر عنوان / موسسه فرهنگ و هنر رها فل

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

دبیر نشر: مسعود شهریاری

ناظر فنی: قارن سوادکوهی

مدیر هنری: نویدمختاری اسکی

نمونه خوان: مرتضی محقق

شابک: ۷-۱۵-۷۸۲۶-۶۰۰-۹۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ رشدیه



vavbook.com



barniadem.ir



شماره ثبت اسناد ملی: ۴۲۸۱۱۵۲

نشانی الکترونیکی نشر: info@vavbook.com | onvanbooks@gmail.com | ۸۸۷۱۵۶۶۷-۸۸۷۲۴۵۶۰

حق نشر و پخش و کلیه حقوق این اثر برای موسسه فرهنگ و هنر رها فلیم به شماره ثبت ۲۶۶۶۸ و پروانه ۴۸۲۴ محفوظ است.

۷	یادداشت
۹	مقدمه
۱۸	کتاب اول
۱۹	۱. بی نشان است
۲۱	۲. زیر آسمان
۲۴	۳. دل‌ها: خالی، شکم‌ها: پر
۲۶	۴. ظرفی ست خالی
۲۸	۵. خالی، اما تمام‌نشدنی
۳۰	۶. مادینه: ریشه
۳۱	۷. در میانه
۳۳	۸. آب: آب
۳۵	۹. بهتر نیست خالی بماند؟
۳۷	۱۰. نوا: نوا
۳۹	۱۱. در نا: چرخ
۴۱	۱۲. به ای می‌حسند
۴۳	۱۳. بر سینه
۴۵	۱۴. این کی
۴۷	۱۵. مثل غارها
۴۹	۱۶. واگشت آن‌ها
۵۱	۱۷. وقتی کارها کرده سود
۵۳	۱۸. پیدا می‌شوند
۵۵	۱۹. این مهم‌تر است
۵۷	۲۰. بی‌لنگر، در هیچ جا
۶۰	۲۱. صورت‌ها در آن است
۶۲	۲۲. ستیزه نمی‌کند
۶۴	۲۳. چه کسی این کار را می‌کند؟
۶۷	۲۴. باروبنه‌ی اضافی
۶۹	۲۵. اسمش را نمی‌دانم
۷۲	۲۶. ریشه‌ی سبکی: سنگینی
۷۴	۲۷. این جوهر راز است
۷۶	۲۸. به تیرگی می‌چسبد
۷۹	۲۹. نگهش داری، از دست می‌دهی
۸۱	۳۰. بی‌جواب نمی‌ماند
۸۳	۳۱. برای این است که
۸۶	۳۲. این را که بدانی
۸۸	۳۳. همیشه خواهد ماند؟
۹۰	۳۴. همه به آن رو می‌آورند
۹۲	۳۵. اگر بچشی، بی‌طعم است
۹۴	۳۶. درک سرشت چیزها؟
۹۶	۳۷. گنده‌ی ناتراشیده
۹۸	کتاب دوم
۹۹	۳۸. خودنمایی نمی‌کند
۱۰۲	۳۹. از یک یافته می‌شود

۴۰	حرکت دائو: برگشتن.....	۱۰۴
۴۱	از دائو که بشنوند.....	۱۰۵
۴۲	دائو: یک، دو، سه.....	۱۰۸
۴۳	کمتر کسی می فهمد.....	۱۱۰
۴۴	نامت یا خودت؟.....	۱۱۲
۴۵	هر چه به کارش بیری، تمام نمی شود.....	۱۱۴
۴۶	دائو، اسب، کشتزار.....	۱۱۶
۴۷	می بیند، اما نگاه نمی کند.....	۱۱۸
۴۸	از دل بیرون می گذاریم.....	۱۲۰
۴۹	مثل بچه ی کوچک.....	۱۲۲
۵۰	چرا این طور است؟.....	۱۲۴
۵۱	همان دائو.....	۱۲۶
۵۲	در راه شناسی.....	۱۲۶
۵۳	آرام آرام است.....	۱۳۰
۵۴	چرا بدانند که الم مثل این است؟.....	۱۳۲
۵۵	به نوزاد می ماند.....	۱۳۵
۵۶	چیزی نمی گوید.....	۱۳۷
۵۷	از این راه.....	۱۳۹
۵۸	تیز است، نمی بر.....	۱۴۱
۵۹	ریشه های عمیق: ساق های.....	۱۴۳
۶۰	سرخ کردن یک ماهی.....	۱۴۵
۶۱	با آرام بودن.....	۱۴۷
۶۲	بهرتر است زانو بزنی.....	۱۴۹
۶۳	بی طعم را بجوش.....	۱۵۱
۶۴	نمی چسبد.....	۱۵۴
۶۵	پنهان کن.....	۱۵۷
۶۶	ستیزه نمی کند.....	۱۵۹
۶۷	اگر مختلف نمی بود.....	۱۶۱
۶۸	به آن معروف است!.....	۱۶۴
۶۹	پیش رفتن بدون حرکت.....	۱۶۶
۷۰	آسان فهم؟.....	۱۶۸
۷۱	می داند که نمی داند.....	۱۷۰
۷۲	یکی را می گیرند.....	۱۷۲
۷۳	چه کسی می داند چرا این طور است؟.....	۱۷۴
۷۴	مثل او چوب بئرید.....	۱۷۶
۷۵	چیز زیادی ندارند، پس.....	۱۷۸
۷۶	نرم و سست.....	۱۸۰
۷۷	به کشیدن کمان می ماند.....	۱۸۲
۷۸	نرم تر از آب.....	۱۸۴
۷۹	بی غرض است.....	۱۸۶
۸۰	به دورها سفر نمی کنند.....	۱۸۸
۸۱	کامل، بی کشمکش.....	۱۹۰

این سومین بار است که من به «دانو دِ جینگ» برمی‌گردم. به پیشنهاد «مؤسسه‌ی فرهنگ و هنر ره‌افیلیم» برگردان دیگری برای کتاب گویای این مؤسسه فراهم آورده‌ام، از روی ترجمه‌های انگلیسی با توجه به تجربه‌هایم در برگردان‌های قبلیم: دانو: راهی برای تفکر (نشر چشمه) و دانو دِ جینگ (نشر شاه معاصر). در این برگردان دستم را در انتخاب از برگردان‌های گوناگون انگلیسی باز گذاشته‌ام، با ارجاع به بعضی از آن‌ها در پانویس‌ها، که غرض از این کار روشن‌تر شدن آن بنا یا بخش بوده است.

تشکر می‌کنم از برویچه‌های ره‌افیلیم: موژان محقق، علی هاشمیان، علی اتحاد، مسعود شهریاری، مرتضی محقق و قارن سوادکوهی که با اشتیاق و دقت چندماهی را در عوالم دانویی زندگی کنم. مسعود، تمام متن را خواند و پیشنهادهای سنجیده و سازنده‌ی داد، با آمیزه‌ی مهربانی‌هایش، و موژان نام‌های هشتریک دفتر دانو دِ جینگ را انتخاب کرد. باز هم ممنون.

کتاب را به پایان می‌بردم که عزیزی، فرداد فرهنگ‌مهر، از سفر آمد، با بود، هاشم، برش بر جبین ما، و ننشسته، خواند I Am Gone، ناخواسته و شتابان راهی سفر دیگری شد. باز دِ سنگینِ مهربان دست‌ها و دلش که همیشه بر دل‌های ما می‌ماند.

ع. پاشایی

تهران - بهمن ۹۴

دائو دِ جینگ (Dao De Jing) کتاب چینی کهنی است در آیین کشورداری بر اساس فلسفه‌ی دانویی یا دانوئیسم. اسم این کتاب مرکب از سه جزء است: «دائو»، یعنی راه، طریقت، «ده» که «بهره‌مندی» از دائو است، آن را فضیلت، نیرو یا «هنر» کشورداری دانسته‌اند. و «جینگ»، به معنی «کهن‌نامه» یا کتاب رسمی است.

شاید دائو دِ جینگ در حدود دو هزار و پانصد سال پیش نوشته شده باشد؛ و احتمال می‌رود که مردی به نام لانوزه (Lao Zi) آن را نوشته باشد، که شاید در زمان کنفوسیوس می‌زیسته. هیچ چیز این کتاب قطعی نیست مگر این که چینی است و بسیار سالخورده و با مردم همه‌جا طوری حرف می‌زنه که برای یکی همین دیروز آن را نوشته است... دائو دِ جینگ، شوخ، تیز، مهربان، فروتن و به طرزی حیرت‌انگیز، و به گونه‌ی پایان‌ناپذیر شاداب‌کننده است. زبان آن آری همه‌ی چشمه‌سارهای عمیق است. عمیق‌ترین چشمه نیز هست.^۱

۱. دائو دِ جینگ؛ اورسولا ک. له‌گین، برگردان ع. پاشایی، تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۵، ص ۱۱-۱۲.

دائونیسیم (Taoism) چیست؟ آن را این طور تعریف کرده اند: «یکی از دین های بومی چین. بنیادگذار افسانه ای آیین دائو، فرزانه یی است به اسم لائوزه (ح قرن ششم ق.م)، که او را نویسنده ی دائو ده جینگ می دانند؛ هر چند تاریخ احتمالی این اثر از قرن چهارم- سوم ق.م است. «دائو»، یا «راه»، سرچشمه ی همه فراگیر راه و رسم یا الگوهای است که اشیاء بنا بر آن ها در جهان رخ می دهند و این مکتب آسمش را از این مفهوم گرفته است. دائویی ها عموماً معتقد به آرمان رسیدن به دانش یا بینش این سرچشمه برای مقاصد گوناگون اند: دیدن به هم سرشتگی پیچیده ی همه ی اشیاء، رسیدن به عمر دراز، رسیدن به خود به خودی در اندیشه ها و کارها، یافتن نیروهای فراطبیعی، و مانند این ها. بین دستاوردهایی شامل یافتن توازن میان دو نیروی متضاد «یین» و «یانگ» است، که از تأثیر متقابل آن ها همه ی نمودها و تغییرات پیدا می شوند. این ها را دو وجه مکمل دائوی بی منت می بینند که در رمز «یین یانگ» یک دایره با دو نقطه در هر نیمه نمودار می شوند و نشان می دهد که «سن» و «یانگ» هر دو حاوی تخم ضدشان هستند. همه ی اعداد و دویی را می توان از اعداد زوج و فرد «یانگ» و «یین» بیان کرد؛ مثلاً «یین» رمز هر چیزی است که مادینه، نرم، پذیرا، تاریک و «یانگ» رمز آن چه نرینه، سخت و پویا یا کُنا است. دائویی ها در پی آنند که این نیروها، کیهانی را از طریق مشاهده و تقلید ریت های طبیعت در خودشان هماهنگ کنند؛ و این امر اساسی است، چون که در مقابل فهم عقلی آن ها قرار می گیرد. یک متن خاص به اسم جِوآگِزه (ح قرن چهارم تا دوم ق.م، از فیلسوفی به همین اسم)، نقد کلی زبان را به مثابه وسیله ی انتقال حقیقت به دیگران و اندیشه ی گفتمانی را به منزله ی یک وجه دانش عرضه می کند؛ و مشاهده ی بی واسطه ی طبیعت را هم در جهان و هم در خود توصیه می کند. این به قبل آرام چند و چون زندگی شخص و ناگزیری مرگ، و طبیعی بودگی و خودجوشی شادی آن روز به روز می انجامد...» (فرهنگ آیین بودا، دامین کیون)



واژه نگاری دائو

مفهوم های دائو، وو یی، ده، یین و یانگ

این پنج مفهوم نیاز به شرح گسترده تری دارد:

دائو

در دائو ده جینگ سه مختصه ی متفاوتی جداگانه به دائو نسبت داده می شود:

۱. دائو، خاستگاه چیزهاست: «از دائو، یک زاییده می شود؛ از یک، دو

زاییده می شود، از دو، سه زاییده می شود، از سه، ده هزار آفریده زاییده

می شوند.» (دفتر ۴۲)

۲. دائو، نبودن پایان‌ناپذیر است، تَها است، نیستی است، عدم است. با این همه، دائو تمام آفرینش و تمام ساکنان آن را سرشار می‌کند:

دائو، ظرفی ست خالی؛
همیشه می‌شود چیزی از آن برداشت، با این همه، همیشه خالی ست؛
بی‌ته است؛ با این همه، سرچشمه‌ی ده‌هزار آفریده است. (دفتر ۴)

«دائو» فرّار و لمس‌ناپذیر است.
آن‌که لمس‌ناپذیر و فرّار است
اما شش‌ها در آن است.

فرّار و لمس‌ناپذیر،
اما صبرت‌ها در آن است.

تیره و تار،
اما خمیره‌یی دارد
و حقیقتی را در آن می‌برد
که در آن صداقت هست. (دفتر ۲۱)

۳. دائو، نیرویی بر همه توانا و بی‌حساس است.
«آن‌چه را که دائو می‌کارد نمی‌توان کند. آن‌چه را که دائو بچسبد، جدا نمی‌توان کرد. (دفتر ۵۴)»

صفات دیگر دائو در دائو ده جینگ:
دائو، به ظرفی خالی می‌ماند (دفتر ۵)، سخت‌یاب و گریزپا. (دفتر ۲۱)، مادر زمین و آسمان (دفتر ۲۵)، بی‌نام و همیشه بی‌نام است.
نسبت دائو به جهان:
مثل نسبت رودها و اقیانوس‌هاست به نه‌های دره‌ها.

نگاه می‌کنی اما نمی‌بینی

از این رو، آن را «بی صورت» می خوانند.
 گوش می کنی اما چیزی شنیده نمی شود
 آن را «بی صدا» می خوانند.
 می چسبی اما چیزی در دست نداری
 چون «لمس ناپذیر» است.
 این سه، تعریف ناپذیرند
 به هم می آمیزند و یکی می شوند. (دفتر ۱۴)

به این ترتیب، «دائو» ندیدنی، نشنیدنی و لمس ناپذیر است؛ اما جاوید و ناگفتنی باقی می ماند، و در حالت «نبودن» به اوج می رسد. دائو قانونی جاوید است که بستر پدیده های متغیر جهان است. جاوید است، همه گیر است، از بهر بردن تمام نمی شود، زیرا که سرچشمه ی بی ژرفای همه چیز است. از این جا است که دائو را، که به راه طبیعت می رود، آسمان و زمین و انسان پیروی کنند.

دائو، در فلسفه ی کهن چینی، به سه صورت به کار برده می شود:

۱. تیان دائو (Tiān dào)، که دائوی آسمان، دائوی طبیعت یا دائوی طبیعی است؛ ۲. دا دائو، دائوی بزرگ، راه یا مسیر بالفعل تمام تاریخ، یعنی هر چیزی که رخ داده یا رخ خواهد داد؛ و ۳. ین دائو یا ین دائو، دائوی انسانی؛ مراتبی که کرد و کار (اجتماعی) انسان آن ها را ساخته و پرده خسته است. دائوی طبیعی متناظر است کمایش به نظامی که در جامعیت قوانین فیزیکی طبیعی بیان می شود. رابطه ی بین این سه معنای دائو یکی از موضوعات مکرری گفتارهای لائوزه، جوانگ زه و بسیاری از فیلسوفان چینی دیگر است.

در کهن ترین متن های فلسفی-دینی موجود، تیان دائو، یا دائوی طبیعت، با استفاده از مفاهیم «یین» و «یانگ» توضیح داده می شود. سیهان شاسم حاصل از آن سیمای متمایز فلسفه ی چینی شد، خصوصاً از سوی لائوزه و زوئیست ها. اندیشمندان کهن، لائوزه و جوانگ زه، بر این عقیده بودند که بستر دائوی انسانی در دائوی طبیعی است. اگر زندگی انسان ها موافق نظم طبیعی واقعیت باشد، آن وقت انسان ها می توانند فطرت، یعنی امکانات فطری شان، را به کمال برسانند.

۱. تاریخ فلسفه ی چین، چو جیای و وینبرگ جیای؛ برگردان ع. پاشایی، تهران: نگاه معاصر ۱۳۸۶، ص ۱۱۱.

واژه‌نگاره‌ی (برای هنر زه، به ژاپنی «کان جی») دانو، مرکب از دو جزء اصلی است؛ یکی 首 (شونو shōu) به معنی «سر»؛ و دیگری 冫 (چونو chuō) به معنی «رفتن». در تجزیه‌ی واژه‌نگاره‌ی 冫 شونو (سر) بافه‌های مو در بالا، نشان‌دهنده‌ی سبک متمایز آرایش موی طبقه‌ی جنگاوران یا نظامی‌ها (یون) است. خود واژه‌نگاره‌ی شونو برای اشاره به مفاهیم مرتبط با سر است، مثل سروری، رهبری یا فرمانروایی. واژه‌نگاره‌ی 冫، chuō، (چونو) «رفتن»، به شکل مخفف 冫، شبیه «پا» است و یادآور معنی «رفتن»، «راه رفتن» و همین‌طور ریشه‌ی کلی «راه» است.

وُوی (wu wei)

«انسان با زمین هماهنگ است؛

زمین با آسمان هماهنگ است؛

آسمان با دانو هماهنگ است؛

و دانو با راه، طبیعت، هماهنگ است.»

این طرح کلی سیستم لائوزه است. مراد از «طبیعت» همه‌ی آن چیزهایی است که در جهان رخ می‌دهد؛ یعنی جامعیت خودانگیختگی یا خودجوشی چیزها و رهایی مطلق از تصنعی بودن. به بیان دیگر، هر وقت چیزها آزاد باشند که راه طبیعی خودشان را دنبال کنند، در حالت هماهنگی حرکت می‌کنند؛ برای این که دانو سنگ راه‌شان نمی‌شود و آن‌ها را از مسیر طبیعی و خودانگیخته‌ی آن‌ها — که به شکل اولین اصل جهان است — باز نمی‌دارد. این مفهوم به راه «وُوی» یا بی‌عملی، کاری نکردن، یا در یک قدم دیگر راه «وُوی وُوی»، یا عمل بی‌عملی، معروف است. «دانو هیچ کاری نمی‌کند؛ و با این‌همه کاری نیست که نکرده مانده باشد.» این تعلیم وُوی هسته‌ی نظام لائوزه است.

ده (de)

دانو را با «ده» بهتر می‌توان فهمید. کلمه‌ی «ده» مفهومی است بسیار عمیق‌تر از مفهوم «فضیلت» محض یا «نیرو» که معمولاً در برگردان‌های دانو ده ترجمه می‌بینیم. پیش‌تر گفتیم دانو آن است که همه‌چیز از او هستی می‌یابند و پدید می‌آیند؛ اما در این فرایند هستی‌یافتن، هر چیز تک یا یگانه بهره‌یی از دانوی

جهان می‌برد و این «بهره‌مندی» را «ده»، یا «یافت»، می‌خوانند. پس، ده رساننده‌ی حالت طبیعی چیزهاست؛ از این رو، «ده» هر چیزی آن است که آن چیز از آن به طور طبیعی هست.

دائو چون عنصر نهایی زندگی است، انسان باید بخواهد که با سازگاری با آن زندگی کند. «ده» نیروی کنش‌گر زندگی است و زندگی را می‌توان با این یافت پرورد و سرشار کرد. دائو و «ده» هر دو از طبیعت‌اند؛ یعنی سرشت‌شان خودانگیختگی است.^۱

یین و یانگ



مفهوم دیگری که در دائو دجینگ می‌بینیم، تغییر یا دیگرگونی، یعنی رفتن همیشگی از نبودن به بودن، از نقوه به فعل، از «یین» به «یانگ»، از ماده به نور، است. این دریافت، اول در پی جینگ (کتاب دیگرگونی یا تغییرات) آمده است. دائو را، که در ملتقای دیگرگونی «یین» و «یانگ» قرار گرفته، می‌توان به صورت اصل همیشه‌هانی یا استمرار فهمید که بنیاد تکامل مدام جهان است. به این دلیل، دائو را غالباً با نماد تای جیتو (Taijitu) (یین-یانگ) نشان می‌دهند، که نماد «یین» (تاریکی) و «یانگ» (روشنایی) است که متقابلاً در یک چرخه‌ی بی‌پایان پدید می‌آیند، به هم می‌آمیزند و در هم سرشته می‌شوند.

خواجه رشیدالدین فضل‌الله در مقدمه‌ی تکه‌ی ریاضیه‌ی یلخانی می‌نویسد:

... عظیمی که اعظم از او نیست و پیش از او چیزی نباشد، او چیزی بیافرید آن را تی کی [taiji، تای چی؟] نام نهاد. از حرکت او یانگ پدید آمد و از سکون او ییم [یین] که اصل بقیت‌اند. پس هر چه هست از کاین و فاسد حاصل می‌شود شدن از ییم یانگ؛ و از این ییم یانگ اصل وضع هر چیز استقامت گرفت، والله اعلم.

... [از] این دو نام، ییم [یین] و یانگ، ... مراد ایشان برودت و حرارت ...، ضعف و قوت ... زیر و بالا باشد. مقصود آن‌که این دو لفظ متقابلان‌اند، یعنی

بر آن چه اول را اطلاق می‌کنند دوم را نیز در مقابله‌ی او استعمال می‌کنند. این‌جا این دو نام را تشبیه به آسمان و زمین می‌کنند: ینگ [یانگ] به آسمان، یم [یین] به زمین؛ یم ساکت است ینگ متحرک، و هریک از این دو را تأثیری هست و تأثیر ایشان را شدت و ضعفی موجود، و شدت و ضعف هریک را اول و آخری هست و هر وقت که یکی از ایشان قوت گیرد و تأثیر او ظاهر گردد بدان مقدار قوت دیگری نقصان یابد و ضعف پذیرد. پس هرگاه که تأثیر یم به کمال رسد و قوت تمام گرفته باشد روی در انحطاط نهد؛ و تأثیر ینگ ابتدا کند و قوت گیرد و چون ینگ قوت گیرد و به کمال رسد و تأثیر او تمام ظاهر گردد، باز روی در نقصان نهد و قوت یم در حرکت آید. بیان تأثیر ایشان در فصول اربعه: اول از زمستان آغاز می‌کند که قوت و تأثیر یم که عبارت از برودت است کمال گرفته است. می‌گویند که چون این قوت کمال یافت هر آن‌روز در نقصان نهد و چون روی در نقصان نهاد ینگ در حرکت آید... (به نقل از نسخه‌ی خطی)

دانشمند چینی که پیش‌تر گفتیم، از نظر مضمون، کتابی است در فلسفه‌ی کشورداری و از نظر ساختار چیزی شبیه کتاب‌هایی در زمینه‌ی سیاست‌نامه، نصیحه‌الملوک، مراة‌الأمراء مانند ابن‌هست، در فرهنگ ایرانی دوره‌ی اسلامی، یا به قول خواجه رشیدالدین فضل‌الله، از نوع «اختصرات» است. منظوم و کوتاه است در ۸۱ فصل یا دفتر، که می‌توان آن را ۸۱ فصل منظوم به شمار آورد، که معمولاً دانش‌پژوه چینی آن را از بر می‌کرد. اما این کتاب، آن‌جا که به دانش، به عمق آن، نگاه می‌کند، شعر است؛ و مابقی هم نظم. خواننده می‌تواند هر دفتر را به شکل غزلی در نظر بگیرد که می‌تواند چند تم مستقل داشته باشد. هر آن‌جا سعی شده است در این خوانش آن‌ها با گذاشتن فاصله از هم جدا شوند. نکته‌ی دیگر «ده» که معمولاً به «فضیلت»، «قدرت» و «نیرو» ترجمه می‌شود، این‌جا و از آن نظر همان کاربرد یا به کار بستن شیوه و طرز، یا سلوک و «هنر» دانومند، یعنی مبتنی بر صلاح و رئیس است در گرداندن امور ملوک؛ از این‌رو، «فرزانه» یا «حکیم» دانویی، در این متن، اشاره است به شاه، خاقان، غفغور، امیر، خواجه، وزیر و مانند این‌ها، که سر راه و رسم کشورداری‌شان پایبند اصول دانویی‌اند. در واقع، این‌جا «فرزانه» نوعی «بودر» ایرانی، یا شاید «فیلسوف‌شاه» افلاطون است.

چرا این برگردان‌های گوناگون، به انگلیسی یا فارسی، این همه با همدیگر متفاوتند؟ به اختصار می‌توان چند عامل را در این امر دخیل دانست:

۱. باستانی بودن زبان این کتاب.
۲. واژه‌نگاره‌ها (هن‌زه)، یعنی شکل‌های نوشتاری کلمات چینی که تصویری است، نه ترکیب حروف.^۱
۳. زیر پا گذاشتن قواعد دستوری به دلیل حفظ وزن و قافیه.
۴. مستربودن بعضی، چه از نظر دستوری چه از نظر معنایی، مثلاً به دلیل رعایت ایجاز یا رعایت وزن و قافیه.
۵. اختلاف میان نسخه‌هایی که در زمان‌های متفاوت نوشته شده‌اند.
۶. شروح متفاوت داثو ده جینگ، که در انتخاب معانی واژه‌نگاره‌ها تأثیرگذارند.
۷. داشت متفاوت مترجم‌هایی که از فرهنگ‌های مختلف و زمینه‌های متفاوت فرهنگی برخوردارند.

از این بخش درباره‌ی سطرها و استقلال سطرها از یکدیگر در هر دفتری، در نسخه‌های گوناگون درست مثل ابیات غزل در شعر کهن فارسی، به این درک و دریافت‌های مشترک دست می‌زنند.^۲

برای درک تفاوت‌ها در بعضی فصل‌ها در زیرنویس‌ها نکته‌هایی ذکر گردیده و برای ترجمه‌های دیگر، به همین قلم، نگاه کنید به این منابع فارسی:

۱. داثو ده جینگ؛ داثو: راهی؛ برای تفکر، بردان و تحقیق، پاشایی، نشر چشمه چاپ ششم، ۱۳۹۴.

۲. سخنان لائو‌زه؛ تهران: انتشارات فراروان، ۱۳۹۰.

۳. اورسولا ک. له‌گین؛ داثو ده جینگ، برگردان ع. پاشایی، تهران: نشر نگاه معاصر، چاپ اول ۱۳۸۵.

۱. «خط خطائی را حروف معین نیست؛ الا آنک هر اسمی و لفظی را شکل معین نقش می‌کنند که آن شکل مخصوص باشد بدان اسم یا بدان لفظ. و چون اسمی و الفاظ عظیم بسیار است نادر کاتبی باشد که خط تمام داند و کسی که خط تمام داند به نزد ایشان در علم مرتبه تمام داشته باشد.» (تکسوق‌نامه، همان)
۲. مثلاً به این غزل سعدی با مطلع «خوش‌تر از دوران عشق ایام نیست/ بامداد عاشقان را شام نیست» نگاه کنید. درون مایه‌ی اصلی آن عشق و سماع است، اما در تک‌تک بیت‌ها و مصرع‌های آن موضوعات گوناگون دیگری هم مطرح می‌شود که نامستقیم، دور و نزدیک، به درون مایه‌ی اصلی مربوطند؛ اما خودشان موضوعات مستقلی‌اند که می‌شود، البته به‌مناسبت، در غزل‌های دیگر هم آورده شود.

منابع دیگر

۱. چوجای و وینبرگ جای: تاریخ فلسفه‌ی چین، برگردان ع. پاشایی، تهران: نگاه معاصر ۱۳۸۶.
۲. خواجه رشیدالدین فضل‌الله: تنکسوق‌نامه‌ی ایلخانی، (با تشکر از استاد کونیچی هاندا که CD تصویری نسخه‌ی خطی اصلی را در اختیارم گذاشتند).

منابع انگلیسی

1. *Lao Tzu's Tao-Te-Ching*, A Parallel Translation Collection, Compiled by P. GNON, AD Publishing, Boston, Massachusetts 1996 Boiesem.
- این کتاب مرکب از این هشت ترجمه‌ی انگلیسی است که به طور موازی قرار گرفته‌اند. برگردان کنونی بر مبنای این ترجمه‌ها صورت گرفته است:
- Chan, Wing-tsit. trans. & ed; *A Source Book in Chinese Philosophy*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Cleary, Thomas (trans. & ed.); *The Essential Tao*, San Francisco: Harper San Francisco, 1991.
- Feng, Gia-fu and Jane English (trans.); *Lao Tzu: Tao Te Ching*, New York, Vintage Books. 1989.
- Henricks, Robert (trans.); *Te-Tao Ching*, New York: The Modern Library, 1993.
- Lau, D. C. (trans.); *Lao Tzu: Tao Te Ching*, New York: Penguin Books, 1963.
- Lin Yutang (trans); *The Wisdom of China and Its Secret*, New York, Random House.
- Waley, Arthur (trans.); *The Way and Its Power: A Study of the Tao Te Ching and Its Place in Chinese Thought*, New York, Grove Press, Inc. 1958.
- Wu, John C. H. (trans.); *Tao Te Ching*, Boston: Shambhala, 1989.
2. *Dao De Jing; The Way and Its power*, Translation by Patrick Edwin Moran, 2010-2012.
3. *The Living Dao: The Art and Way of Living, A Rich and Truthful Life*, Translated with annotations by Lo Sang Ho, Lingnan University, Hong Kong, 2009.
4. *Tao Te Ching*, by Stephen Mitchell, 1988.
5. *Tao Te Ching*, by S. Kline, 2000.